

# انجمن‌ها در انقلاب مشروطه‌ی ایران ۱۹۰۵-۱۹۱۱

گ. س. آروتیومیان

ترجمه‌ی بیژن موسوی



انجمن زنان تبریز که چند ماه پس از انقلاب مشروطه (۱۲۸۵) در تشکیل شد

## اشاره‌ی مترجم:

متن حاضر از زبان روسی به فارسی برگردانده شده به‌همین دلیل بعضی از اصطلاحات و ساختار بیانی متفاوت و غیر قابل ترجمه است. مثلاً (Proclamation) Прокламация در زبان روسی به معنی برگه‌های تبلیغاتی سیاسی‌ست و یا Подданство شامل شهروندان مملکت یا ممالکی‌ست که بندگان شاه به حساب می‌آیند. همین‌طور نویسنده هم از کلمه شاهی (Шахский) و هم از کلمه تسارسکی (царский) که در زبان روسی به معنی شاهی است استفاده کرده، ولی چون از کلمه‌ی شاهی فقط در مورد حکومت ایران و از تسارسکی در بسیاری از موارد در ارتباط با روسیه‌ی تزاری استفاده شده، کلمه‌ی تسارسکی، تزاری ترجمه شده است. همچنین تلفظ بعضی از اسامی به‌زبان روسی با تلفظ ایرانی متفاوت‌اند اما به‌دلیل دشواری در جست‌وجوی اسامی در منابع، از همان فرم روسی استفاده شده است. برخی از پانویس‌ها هم ناخوانا و یا به‌سختی قابل ترجمه بودند به‌همین دلیل به‌همان زبان روسی قید شده است. در انتها هم مواردی جدا از متن اصلی از طرف مترجم قید شده که برای اطلاع خواننده از انقلاب مشروطه مفید است. (م.)

انقلاب اول روسیه ۱۹۰۷ - ۱۹۰۵ تأثیر عمیقی بر کشورهای شرق گذاشت. در پیروی از جنبش روسی سال ۱۹۰۵ لنین نوشت: «انقلاب دموکراتیک تمام آسیا را فراگرفته - ترکیه، ایران و چین را.»<sup>۱</sup>

انقلاب روسیه روی ایران تأثیر مستقیم گذاشت، جایی که جنبش دموکراتیک زودتر از بقیه‌ی کشورهای شرق شروع شد. انقلاب ۱۹۱۱-۱۹۰۵ ایران که برآمده از تشدید تناقضات درونی کشور بود، از جانب جنبش انقلابی روسیه تکان قدرتمندی گرفت. رخدادهای انقلابی در ایران در پایان سال ۱۹۰۵ به‌دنبال قیام مسلحانه دسامبر در مسکو شروع شد.

<sup>۱</sup> لنین، مجموعه آثار (به روسی)، جلد ۱۹، صفحه ۶۵

انقلاب ۱۹۱۱-۱۹۰۵ ایران بر اثر وقایع رخ داده در کرمان و تهران شروع شد، جایی که اعمال غیرقانونی دستگاه شاهی منجر به انفجار خشم مردم شد. توده‌های به‌پاخاسته از شاه و دولتش تقاضای ایجاد مجلس قانون‌گذاری مشورتی - «عدالت‌خانه» را کردند. جمعیت تبریز از شاه تقاضای اجرای فوری مشروطه را کرد. ۵ آگوست ۱۹۰۶ شاه فرمان اجرای مشروطه را امضا کرد، و در ۹ سپتامبر تشکیل مجلس و قواعد انتخابات مجلس را تأیید نمود. بعد از پایان انتخابات در تهران ۷ اکتبر اولین مجلس ایران رسماً افتتاح شد. مجلس پروژه‌ی قانون اساسی را مورد تدوین قرار داد که بخش اول و اصلیش ۳۰ دسامبر ۱۹۰۶ مورد تأیید قرار گرفت. دیرتر مجلس متمم قانون اساسی را تدوین کرد که به‌نوعی بخش مهم‌تر قانون اساسی ایران بود.

در نتیجه‌ی عمل انقلابی توده‌ها و تحت تأثیر جنبش انقلابی روسیه در سال‌های ۱۹۰۷-۱۹۰۶ در بسیاری از شهرهای ایران سازمان‌های دموکراتیک انتخابی که نام انجمن را به خود گرفتند شروع به ایجاد شدن کردند. انجمن آن‌طور که در ترجمه‌های روسی قانون اساسی ایران آمده است، به معنای اتحادیه، تشکل یا شورا است.

مطابق قانون انتخابات هر ایالت باید نمایندگان خود را به مجلس می‌فرستاد. از تهران هنوز قانون انتخابات بیرون نیامده بود که تبریزی‌ها ارگان انتخابی خود را سازمان‌دهی کردند که در آن نمایندگان پیشه‌وران، بازرگانان، روحانیت و روشنفکران وارد می‌شدند و باید به برگزاری صحیح انتخابات نظارت می‌کردند.<sup>۲</sup> این ارگان انتخابی در نهایت به انجمن تبدیل شد. در اثر تاریخ‌نگار ایران، کسروی (تاریخ مشروطه ایران) می‌خوانیم، بعد از اینکه از تهران قانون انتخابات دریافت شد، در تبریز انتخابات نمایندگان انجمن شروع شد. برای برگزاری انتخابات خانه‌ای انتخاب شد که در ادامه انجمن ملی<sup>۳</sup> نام گرفت. انجمن محلی شد برای تجمع نمایندگان منتخب مردم.

<sup>۲</sup> احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، تهران، ۱۹۴۰، جلد اول، صفحه ۲۲۶

(در ادامه: کسروی)

<sup>۳</sup> همان‌جا، جلد دوم، صفحه ۲۵۰ - ۲۴۹.

طبق اطلاعات رسمی، انجمن تبریز در اکتبر سال ۱۹۰۶ سازمان‌دهی شد. این اولین انجمن در تاریخ ایران بود که مقدر بود نقش رهبری کننده را در انقلاب ۱۹۱۱-۱۹۰۵ ایران بازی کند. به‌دنبال تبریز در دوره‌ی سازمان‌دهی مجلس و اقدامات اولیه‌ی آن، در مبارزه‌ی توده‌های مردم با استبداد شاهی در همه جا سازمان‌های منتخب - انجمن‌ها زاییده شدند.<sup>۴</sup>

مأمور تزاری وزارت مالیه در ایران ۳ نوامبر ۱۹۰۷ به اطلاع رساند که روحیه‌ی اپوزوسیونی-انقلابی در حال رشد است و انعکاس خود را در سازمان‌دهی انواع کلوب‌های سیاسی (انجمن‌ها) نشان می‌دهد که فقط در تهران به ۷۰ عدد رسیده.<sup>۵</sup> به‌دنبال تبریز و تهران، در دیگر شهرها هم سازمان‌دهی انجمن‌های مردمی شروع شد. در پایان ۱۹۰۶ انجمن در اصفهان سازمان‌دهی شد. در ابتدای سال ۱۹۰۷ انجمن در مرکز ایالت گیلان، رشت، تأسیس شد. در ژانویه‌ی سال ۱۹۰۷ انجمن شیراز شکل گرفت که رهبری جنبش دموکراتیک در جنوب ایران در ایالت فارس را بعهدده داشت.

در دیگر مناطق و شهرهای ایران هم انجمن‌ها از تشکیل شدن باز نماندند، مطلبی که گزارش‌های کثیرالتعداد نمایندگان دیپلمات تزاری در ایران در موردش اظهار می‌دارند. در این گزارش‌ها در پایان سال ۱۹۰۶ و نیمه‌ی اول سال ۱۹۰۷ اینطور تشریح می‌شود: اوضاع در کشور با گرفتن ماهیت نگران‌کننده به‌خود دوباره رو به وخامت گذاشته. جنبش انقلابی در همه جا رویش یافته. در همه‌ی شهرهای ایران کمیته‌های مخصوصی که انجمن نامیده می‌شوند به‌وجود آمده که سیاست خود را بدون حساب

<sup>۴</sup> مؤلف در نظر دارد که مقاله‌ی حاضر تصویر کامل شکل‌گیری انجمن‌های پرتعدادی را که در جریان انقلاب ایران پدید آمدند نشان نمی‌دهد. مؤلف تلاش می‌کند که نقش انجمن‌های ایران را مشابه انجمن تبریز نشان دهد.

<sup>۵</sup> آرشیو سیاست خارجی روسیه، (в дальнейшем: ф. перес. ст., д. ۳۸۱۶. ۱۹۰۷, л. ۶۰ (В АВПР).

بردن از حکومت‌های محلی و به‌کرات حتی بدون حساب بردن از حکومت مرکزی و مجلس به‌پیش می‌برند.<sup>۶</sup>

در همه جا انجمن‌های سازمان‌دهی شده مورد حمایت لایه‌های وسیع توده‌های زحمتکش، از مجلس و دولت تقاضای به‌رسمیت شناخته شدن موجودیت قانونی و تدوین قوانین در مورد خودشان را کردند.

دولت شاهی به اشکال مختلف اجرای تقاضا را کش می‌داد و مانع سازمان‌دهی انجمن‌ها می‌شد. اما این موقعیت شاه را نجات نداد. شاه و دولت‌ش در مقابل واقعیت تحقق یافته - انجمن‌های پرتعداد خودجوش پدید آمده قرار گرفتند و مجبور شدند که قوانین در مورد انجمن‌ها را به‌تصویب برسانند. قوانین وارد متمم قانون اساسی مصوب در تاریخ ۷ اکتبر سال ۱۹۰۷ شدند. ابتکار عمل تهیه‌ی متمم قانون اساسی به‌عنوان مهم‌ترین بخش قانون اساسی ایران در اساس نشأت گرفته از اقبال دموکراتیک تبریز که به‌دنبال خود تهران، رشت و دیگر شهرها را می‌کشاندند بود. فراتر از آن تبریزی‌ها نه‌تنها ایده‌ی متمم قانون اساسی را به پیش بردند بلکه از طریق نمایندگان خود در مجلس چند پاراگراف اصلی (در مورد انجمن‌ها و حقوق شهروندان و غیره) متمم قانون اساسی را به‌تصویب رساندند.

یکی از مهم‌ترین بخش‌های متمم قانون اساسی مربوط به قواعد در مورد شوراهای<sup>۷</sup> (انجمن‌های) ایالتی و ولایتی بود. قانون سازمان‌دهی انجمن‌های ایالتی و ولایتی را در تمام کشور پیش‌بینی کرده بود. انجمن‌ها مطابق قانون اساسی حقوق ارگان‌های انتخابی و مشورتی را در مناطق خودگردان - شهری کسب کردند. ولی در جریان انقلاب از مدت‌ها قبل از تصویب متمم قانون اساسی، انجمن‌ها به ارگان‌های خودمختار انتخابی و مشورتی ایالتی و شهری آن‌طور که در قانون پیش‌بینی شده بود محدود نمی‌شدند. بیشتر انجمن‌ها بدون در نظر گرفتن محدودیت‌ها و گیره‌های موجود در قواعد در مورد

<sup>۶</sup> مجموعه مدارک دیپلماتیک مربوط به وقایع در ایران، منتشر شده سنت پترزبورگ، ۱۹۱۱، صفحه

.۱

<sup>۷</sup> قانون اساسی کشورهای بورژوازی. م، ۱۹۳۶، جلد ۳، صفحه ۵۲

انجمن‌ها به سرعت به مرکز نیروی دموکراتیک و ارگان خودمختار و کنترل والی‌ها تبدیل شدند. در ادامه هم بعضی از انجمن‌ها به ارگان‌های قیام و حاکمیت مردمی - انقلابی تبدیل شدند.

تقاضاهای دموکراتیک، فرستادن نماینده به مجلس و به پیش بردن دسته‌ای از اعمال اقتصادی و اجتماعی و حمایت از منافع خلق برای انجمن‌های دموکراتیک اتوریتته‌ی زیادی در بین اقشار وسیع جامعه به ارمغان آورد.

در کنار انجمن‌های رسمی پیش‌بینی شده در قانون مصوب در تاریخ ۷ اکتبر ۱۹۰۷ انجمن‌های غیررسمی هم موجود بودند و همه جا پدید می‌آمدند. انجمن‌های غیر رسمی پر تعداد خودجوش پدیدآمده، زمین‌داران، سندیکاهای حرفه‌ها و طبقات، کلوب‌های سیاسی و اتحادیه‌های مختلف را نمایندگی می‌کردند.

انجمن‌های غیررسمی که در آنها مردم مطابق با حرفه متحد می‌شدند (کارمندان اداری، کارگران، پیشه‌وران، تجار و غیره) بهبود شرایط کار و افزایش دستمزد، کاهش مالیات‌ها، اهدای حقوق ابتدایی شهروندی به زحمتکشان و چیزهای مشابه را مطالبه می‌کردند. یادآور می‌شویم که این سندیکاها، اتحادیه‌ها و سازمان‌ها بنیان جنبش سندیکایی در ایران را گذاشتند. در سال ۱۹۰۶ کارگران چاپخانه‌ی تهران اولین اتحادیه‌ی کارگران در ایران را بنیان گذاشتند. از سال ۱۹۰۷ در ایران جنبش اعتصابی کارگران و کارمندان اداری شکل می‌گیرد. در مارس سال ۱۹۰۷ تلگرافچی‌ها با مطالبه‌ی افزایش دستمزد اعتصاب سراسری اعلام کردند. در سال ۱۹۰۸ اعتصابات و ناآرامی‌های کارگری جایگاهی در صنایع شیلات تزاری لیانازوف در سواحل خزر داشتند. همچنین کارگران بنادر، باربران، قایقرانان، گاریچی‌های انزلی، کارگران چاپخانه، کارمندان تراموای و وزارتخانه‌ها و غیره هم دست به اعتصاب زدند. بدین ترتیب در سال‌های انقلاب ایران اولین جنبش سندیکایی و کارگری شروع به تولد کرد.

مؤلف هدف خود را فراگیری انجمن‌های رسمی (به خصوص انجمن تبریز) که در قانون اساسی پیش‌بینی شده بودند و در ادبیات ایران تحت عنوان انجمن ملی بودند قرار می‌دهد.

انجمن‌ها در شهرهای بزرگ ایران (تبریز، تهران، رشت، اصفهان، شیراز و مشهد) فعالیت زیادی به‌خرج دادند و توانایی بقای خود را در شرایط انقلاب ۱۹۱۱-۱۹۰۵ ایران نشان دادند. بعد از این‌که مجلس اول باز شد و شروع به‌کار کرد (۷ اکتبر ۱۹۰۶) تقریباً از همه‌ی مناطق ایران نمایندگان مجلس که منتخب انجمن‌های محلی بودند عازم مجلس شدند. ۸ فوریه ۱۹۰۷ در تهران نمایندگان تبریز مجلس متشکل از ۱۲ نفر حضور یافتند.

کار مجلس آنقدر جان‌گرفت که در روز بعد از ورود نمایندگان تبریز که با انجمن تبریز ارتباط دائم تلگرافی داشتند، مجلس به دولت در ارتباط با این مطالبات التیما توم داد: شکل حاکمیت را سخته‌گیرانه مشروطه اعلام کند، تعداد وزرا را به ۸ محدود کند و آنها را در مقابل مجلس جوابگو به‌حساب آورد نه در مقابل شاه. القاب افتخاری وزرا را لغو کند، اشغال پست وزارت را برای خارجی‌ها ممنوع کند، نوز و پریم بلژیکی که پست‌های وزارت مالیه و رئیس گمرک ایران را در اختیار دارند برکنار کند. انجمن تبریز از طریق نمایندگان خود در مجلس تقاضای به اجرا درآوردن فوری قانون در مورد سازمان‌دهی انجمن‌ها در سرتاسر کشور را کرد.<sup>۸</sup>

شاه از اجرای تقاضاهای مجلس و انجمن‌ها امتناع کرد و در راه سرکوب قرار گرفت. اما وضعیت سیاسی در کشور آن‌چنان ملتهب بود که حتی نزدیکان شاه و نخست‌وزیر هم با سیاست ارتجاعی شاه هم‌نظر نبودند. انجمن‌ها و فعالیت‌های دموکراتیک مجلس به‌طور خاص شاه را آشفته می‌کردند. شاه اصرار بر مهار و انحلال انجمن‌ها می‌کرد که بر تعدادشان هر روز افزوده می‌شد.

اقدامات انقلابی علیه ارتجاع شاه ماهیت جدی‌تری به‌خود گرفتند که در سازمان‌دهی انجمن‌های جدید در تهران، مناطق و حتی خارج از ایران خود را انعکاس دادند. در پایان سال ۱۹۰۷ فقط در تهران ۱۲۰ انجمن وجود داشت.<sup>۹</sup> تاریخ‌دان ایرانی

<sup>۸</sup> به‌غیر از متمم قانون اساسی که سازمان‌دهی انجمن‌ها را پیش‌بینی می‌کرد، قانونی ویژه در مورد انجمن‌ها توسط مجلس به تصویب رسید.

<sup>۹</sup> نوشته‌های دانشمندان «انستیتو دولتی تربیت معلم مسکو به‌نام لنین». جلد ۵۸، نشر دوم، ۱۹۴۹.

ملک‌زاده اشاره می‌کند که در تهران در زمان نسبتاً کوتاهی ۲۰۰ انجمن سازمان‌دهی شدند.<sup>۱۰</sup> البته این تعداد یک مقدار بزرگ‌نمایی شده است اما چنین رشد شدید کلوب‌های سیاسی و سندیکایی از رشد جنبش دموکراتیک انقلابی در ایران می‌گوید. مدارک آرشیوی از این شهادت می‌دهند که در قفقاز، زاکاسپی، قسطنطنیه، بمبی، کلکته و دیگر مکان‌ها توسط مهاجرین ایرانی انجمن‌ها و کمیته‌های انقلابی کمک‌دهنده و هم‌مردی‌کننده با انقلابیون ایرانی تشکیل شده بود.<sup>۱۱</sup>

شاه و نیروهای ارتجاعی در تقابل با انجمن‌های ملی شروع به ایجاد انجمن‌های ضدانقلابی کردند. بدین ترتیب مثلاً انجمن‌های ارتجاعی اسلامی و علی محمد ساخته شده بودند.<sup>۱۲</sup>

ارتجاع فقط محدود به ایجاد انجمن‌های ضدانقلابی نمی‌شد، و به روش‌های دیگر مقابله هم روی می‌آورد. در انجمن‌های ملی عناصر ارتجاعی با هدف فلج کردن فعالیت آنها نفوذ می‌کردند. بدین ترتیب ارتجاع به رهبری شاه اولین قدم‌ها را در راه سرکوب انقلاب و انهدام انجمن‌های دموکراتیک انقلابی برداشت.

از پاییز ۱۹۰۷ محمدعلی شاه شروع به آماده شدن برای کودتا کرد. امپریالیست‌های انگلستان و دولت تزاری شاه را به سمت ضدانقلاب حول دادند.<sup>۱۳</sup> با مشورت با تزار نیکلای دوم، شاه تصمیم به انحلال مجلس گرفت. او واحدهای نظامی و واحدهای ضدانقلابی آماده برای اقدام مسلحانه علیه مجلس و انجمن‌ها را به سمت تهران آورد.

<sup>۱۰</sup> ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطه ایران، جلد ۲، تهران، ۱۹۵۰، صفحه ۱۰۷ (در ادامه: ملک‌زاده).

<sup>۱۱</sup> АВІР, ф. перс. ст., д. ۵۷۹۶, л. ۲۹ и д. ۳۸۳۸, л. ۲۲۰

<sup>۱۲</sup> کسروی، جلد ۲، صفحه ۲۸۱، و ملک‌زاده، جلد ۳، صفحه ۵۵

<sup>۱۳</sup> در مقاله تمام روند انقلاب ایران نشان داده نمی‌شود، بلکه بعضی از وقایع مرتبط با فعالیت‌های انجمن‌های دموکراتیک شرح داده می‌شوند.



فعالیت‌های ضدانقلابی شاه انزجار زیادی در پایتخت و مناطق ایجاد کرد. نمایندگان مجلس، اعضای انجمن‌های تهران و واحدهای مسلح فدایی<sup>۱۴</sup> ساختمان مجلس و مسجد سپهسالار، جایی که جلسات انجمن‌ها برگزار می‌شد، را اشغال کردند. برای دفاع از مشروطه و مجلس هزاران نفر داوطلبانه اسلحه‌به‌دست در میدان جمع شدند و آمادگی خود را برای دفاع از دستاوردهای انقلاب اعلام کردند.

مناطق با ابراز مخالفت علیه اعمال ارتجاعی محمدعلی شاه خیلی تند به وقایع رخ داده در پایتخت واکنش نشان دادند. ۷ اکتبر سال ۱۹۰۷ انجمن تبریز به مجلس و هیئت‌های خارجی تلگرافی را فرستاد که در آن تبریزی‌ها شاه را که قسم وفاداری را نقض کرده بود به رسمیت نمی‌شناختند. آنها همه‌ی مردم را فراخواندند به این که از آنها به‌عنوان نمونه پیروی کنند و کسی را به‌عنوان شاه برسمیت بشناسند که از طرف مجلس افتخاری انتخاب شود.<sup>۱۵</sup>

به‌دنبال تبریز در مبارزه علیه شاه و ارتجاع دیگر شهرهای ایران هم به‌پا خاستند. تحت فشار توده‌های مردم کابینه‌ی دولت استعفا کرد. شاه مجبور بود عقب‌نشینی کند و بعضی از تقاضاهای مردم را اجرا نماید. او برخی از افراد نزدیک به خود را از کار برکنار و اختیارات «باگاتورجانگ»<sup>۱۶</sup> مرتجع را (وزیر تشریفات) را محدود کرد. بین شاه و مجلس توافق گردید. شاه قسم خورد که به مشروطه و قانون اساسی وفادار بماند، قوانین را نقض نکند و حقوق مجلس را زیر پا نگذارد. بدین ترتیب بعد از تلاش ناموفق کودتا در دسامبر سال ۱۹۰۷ شاه مجبور شد به عقب‌نشینی شد و به توافق موقت با مجلس و انجمن‌ها روی آورد. ولی این بدان معنی نبود که ارتجاع شاه با انقلاب کنار آمده. این فقط عقب‌نشینی موقت برای جمع‌آوری نیروهای ارتجاعی و برای تهاجم ضدانقلابی جدیدی بود.

<sup>۱۴</sup> در مورد واحدهای فدایی در زیر گفته خواهد شد.

<sup>۱۵</sup> АВПР, ф. перс. ст., л. ۳۸۱۶. л. ۱۷۸

<sup>۱۶</sup> احتمالاً منظور نویسنده «ایشیک آقاسی باشی» (رئیس تشریفات) دربار سلطنتی است. (نقد اقتصاد سیاسی)

مطالعه‌ی مدارک ما را به این نتیجه می‌رساند که شاه و دولت او نهایتاً خود را در چشم توده‌ی مردم بی‌اعتبار کردند و این که انجمن‌های دموکراتیک انقلابی به قدرت بزرگی تبدیل شدند و به دنبال‌شان توده‌های زحمتکش شهر و روستا به حرکت درآمدند. انجمن‌های ملی به‌نوعی نه‌تنها در تهران و تبریز تبدیل به ارگان‌های حاکمیت شدند بلکه در دیگر شهرها هم همین‌طور. ۲۴ آوریل ۱۹۰۸ نماینده‌ی تام‌الاختیار تزار در امور ایران گارتویگ از تهران تلگرافی به پترزبورگ فرستاد در مورد این که انجمن‌های انقلابی چنان قدرتی را در دستان‌شان متمرکز کردند که در این آخری‌ها با دادن دستورات کلی از جانب خود حتی به امر و نهی مسؤولین دولت به‌سان مأمورین خود می‌پردازند و در امور داخلی هر واحد جدا و مستقیماً دخالت می‌کنند. ۱۷ همان‌طور که می‌بینیم نقش انجمن‌ها در انقلاب همه‌جانبه رشد کرد و در پایان سال ۱۹۰۷ انجمن‌ها با به‌دست آوردن محبوبیت بسیار تبدیل به قدرت پر نفوذ در تمام ایران شدند.

انجمن‌ها به‌واسطه‌ی فرایند خیزش انقلابی و در نتیجه‌ی ابتکار انقلابی توده‌های مردم، فرزندان انقلاب اول ایران به‌حساب می‌آمدند. انجمن‌های ملی از شاه و دولت او تقاضاهای دموکراتیک انقلابی می‌کردند. انجمن‌ها تقاضای حذف قشون بیگانه و برطرف کردن دخالت خارجی در امور داخلی ایران را می‌کردند و با مبارزه مصرانه‌ی خود موفق به کسب رسمیت از طرف دولت برای خود به‌عنوان ارگان‌های محلی پارلمان ایران شدند. انجمن‌های ملی قاطعانه تقاضای اختصاص زمین به دهقانان از طریق مصادره‌ی آن از شاه، خوانین، ملاکین و روحانیون را کردند، تقاضای تبعید خائنین، ضدانقلابیون و عناصر ضدملی را نمودند، تقاضای اخراج وزرا و اشخاص به‌دردنخور برای ملت در دستگاه اداری را کردند. انجمن‌ها موفق شدند که تأیید انتصاب والی‌ها توسط انجمن‌های محلی را جزء شرایط بگنجانند.

اگرچه این مطالبات به‌شکل برنامه ارائه نشده و از یک واقعه به یک واقعه‌ی دیگر در جریان مبارزه انقلابی مطرح شده بودند، به‌رحال به‌هیچ‌وجه اهمیت انجمن‌های انقلابی خلقی را کاهش نمی‌دهد، زیرا که آنها مبارزات پیگیری علیه ساختار فئودالی

ملاکی، در تلاش برای نابودی مالکیت کلان زمین که ساختمان لرزان فنودالی سلطنتی بر آن آرام گرفته بود را به پیش می‌بردند.

کار انجمن‌های انقلابی خلقی فقط به مطالبات و اعتراضات محدود نمی‌شدند. انجمن‌ها در مبارزه‌ی سرنوشت‌ساز خود علیه سلطنت خودکامه به کرات به اقدامات نظامی انقلابی روی می‌آوردند. مدیریت واحد تبریز بانک استقراضی روسیه در تلگراف مورخ ۱۶ مارس ۱۹۰۷ خود به مدیرعامل شرکت نامبرده خبر داد: فرستادگان شاه به ریاست صاحب‌جان با اموال شاه از تبریز خارج شدند. طبق مصوبه‌ی انجمن گروه تعقیب فرستاده شد و کاروان بازداشت شد و با نمایش به شهر، مقر انجمن برگردانده شد. اموال شاه به طور کامل توسط انجمن مصادره شد. شب انجمن به بازرسی مسئولین بلندمرتبه و نزدیکان شاه پرداخت و همچنین تعداد زیادی اسلحه را به تصرف درآورد. در شهر سرزندگی و تأثیر عظیمی از تصرف اموال شخصی شاه وجود دارد. انجمن پر از مردم است، بیشتر از ۵ هزار نفر، بیرون از شهر آموزش بدون انقطاع نظامی جریان دارد، شهر تماماً مسلح است، تعداد زیادی رزمنده از قفقاز آمده‌اند. تجار و صراف‌ها هر دو بانک را بایکوت می‌کنند.<sup>۱۸</sup> (منظور بانک انگلیسی شاهنشاهی و بانک استقراضی روسی است)

مدارک زیادی که در اختیار ماست از این می‌گویند که انجمن‌های ملی نه فقط در تهران و تبریز بلکه در دیگر شهرها هم فعالیت زیادی را به خرج می‌دادند، اجرای قانون را مطالبه می‌کردند، امور دستگاه اداری و دولتی را کنترل می‌کردند. فرستاده‌ی تزاری گارتویگ به کرات به نیروی مادی‌ای (نیروی توده‌ها - گ.آ) اشاره می‌کرد که به سمت انجمن‌های انقلابی آمده و این که انجمن‌ها در کشور به نیروی انقلابی تأثیرگذاری تبدیل شده‌اند که بدون آنها تقریباً هیچ مسئله‌ای حل نمی‌شود. انجمن‌ها در امور وزارخانه‌ها دخالت می‌کنند و از آنها گزارش‌ها را مطالبه می‌کنند، آنها مطالبات‌شان را به مجلس دیکته و اجرایشان را محقق می‌کنند.<sup>۱۹</sup>

<sup>۱۸</sup> АВПР, ф. перс. ст., д. ۳۸۱۶. л. ۳۵

<sup>۱۹</sup> АВПР, ф. перс. ст., д. ۳۸۱۷. л. ۲۳۹

بدین ترتیب انجمن‌های دموکراتیک خلق در دوره‌ی دفاع مشروطه و مجلس و به‌خصوص بعد از کودتای ضدانقلابی ناموفق محبوبیت زیادی بین توده‌های ملت کسب کردند و به ارگان‌های حاکمت دموکراتیک بانفوذ و باتوریته، هم در مرکز و هم در مناطق ایران تبدیل شدند.

انقلاب در تبریز و همچنین در آذربایجان به‌طور غالب ماهیت بورژوا دموکراتیک داشت، بنابراین انجمن تبریز می‌تواند بعنوان نمونه‌ای از انجمن‌های دموکراتیک در دوره‌ی انقلاب ۱۹۰۵-۱۹۱۱ ایران باشد.

بر همه روشن است که تبریز و آذربایجان همیشه آوانگارد جنبش دموکراتیک بودند. این بدون شک به‌دلیل تأثیرات تفکر دموکراتیک روسی و به‌خصوص رخدادهای انقلابی در قفقاز در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم بود.

انقلاب را در آذربایجان، و نیز در دیگر ولایات همجوار، تبریز رهبری می‌کرد، جایی که در آن انجمن ملی قبل از بقیه‌ی جاهای ایران تشکیل شده بود. تبری‌ها چنان مصرانه مبارزه می‌کردند که محمدعلی میرزا (محمدعلی شاه در آن زمان هنوز والی آذربایجان بود) گمارده‌ی آذربایجان مجبور شد که تحت امر انجمن قرار گیرد و در سال ۱۹۰۶ آن را به‌عنوان واحد دارای اختیار به‌رسمیت بشناسد.<sup>۲۰</sup> انتخابات در انجمن با رشد زیادی برگزار شد. انجمن تبریز با قرار گرفتن در طرف توده‌های زحمتکش یک سری اقداماتی را به‌پیش برد که جوابگوی منافع زندگانی تبری‌ها بود. حکومت انجمن آنقدر با اتوریته شد که والی و دستگاه اداری شاهی با وجود این که دولت شاه همه‌جوره از آنها حمایت می‌کرد در حقیقت از گردانندگی برکنار شده بودند.

لازم است یادآور شد که تأثیر گروه سوسیال‌دموکرات و سازمان انقلابی مجاهدین تشکیل شده در سال ۱۹۰۷ که به رهبران اقشار دموکراتیک مردم تبدیل شده بودند و نقش رهبری را در تمام خیزش‌های توده‌های زحمتکش علیه ارتجاع شاه بازی می‌کردند بر روی انجمن تبریز بسیار زیاد بود.

<sup>۲۰</sup> آرشیو مرکزی تاریخی دولتی در لنینگراد ЦГИАЛ, Канцелария министерства финансов, д. ۱۶۴, ч. ۱, л. ۲۱۱.

به برکت حمایت زحمتکشان و کمک سازمان‌های انقلابی نام‌برده در بالا، انجمن تبریز مجموعه‌ای از اقدامات مهم در حوزه‌ی خواروبار، اجتماعی، نظامی، قضایی و امور خارجه را به پیش برد.

مثلاً در تبریز رفرم‌هایی برای تنظیم قیمت خواروبار انجام شدند. انجمن تبریز مبارزه‌ی بی‌رحمانه‌ای را با سفته‌بازی (دلالت‌بازی) به پیش برد. رفرم اوزان و مقیاس انجام شد که لبه‌ی تیزش علیه سفته‌بازان هدف گرفته شده بود. هم انجمن و هم تبریزی‌ها با شدت با سفته‌بازان و دلالتان تصفیه حساب کردند. روزنامه‌ی «مشاک» خبر می‌دهد که در زمان محاصره‌ی تبریز توسط قشون شاه، جمعیت گرسنه‌ی تبریزی دلالت‌نان را به خاطر اینکه خوراک طیور را با آرد قاطی می‌کرد تکه‌تکه کردند.<sup>۲۱</sup> همچنین مطلعیم که تبریزی‌ها یک دلالت‌نان را هم در میدان شهر دار زدند.

کار مهم دیگر انجمن تبریز سازمان‌دهی نیروی مسلح معروف به واحدهای فدایی بود.<sup>۲۲</sup> همانند انجمن تبریز، انجمن در رشت، تهران، قزوین، اصفهان، مشهد و دیگر مکان‌ها هم در دوران رشد جنبش انقلابی اقدامات خود را با حمایت واحدهای انقلابی فدایی محقق می‌کردند.

واحدهای انقلابی فدایی تشکیل شده توسط انجمن‌ها متشکل از افراد داوطلب بودند که بیشترشان دهقانان، پیشه‌وران، تهی‌دستان شهری و دیگر اقشار خلق زحمتکش بودند. واحدهای فدایی در تبریز به نسبت دیگر شهرها به مراتب سازمان‌یافته‌تر و جنگ‌آورتر بودند. فداییان تبریز اساسنامه‌ی نظامی خود را داشتند که در آن ساختار نظامی و سازمانی ارتش انقلابی فدایی منعکس شده است.<sup>۲۳</sup> فدایی ارتش انقلابی خلقی‌ست که فعال‌ترین مشارکت در درگیری‌های انقلابی را دارد و از دست‌آوردهای

<sup>۲۱</sup> مشاک ۲۱ می ۱۹۰۸

<sup>۲۲</sup> واحدهای فدایی اولین بار در تبریز و مشهد سازمان‌دهی شدند. (۱۹۰۷).

<sup>۲۳</sup> در مورد اساسنامه فداییان، محمد سعید آردوبادی، تبریز مه آلود، کتاب اول، ۱۹۳۹، صفحه ۸۳-

انقلاب در مقابل دشمنان داخلی و خارجی دفاع می‌کند. بدین ترتیب فدایی گاردیست که انجمن‌ها در جهت محقق کردن حاکمیت نظامی انقلابی بر آن اتکا می‌کنند.

انجمن تبریز کار خیلی بزرگی را در امر ایجاد انجمن‌های مناطق هم در آذربایجان و هم در سایر مناطق به‌پیش برد. انجمن تبریز نمایندگان خود را برای گسترش جنبش انقلابی، قوانین مشروطه و سازمان‌دهی انجمن‌های محلی به گوشه‌وکنارهای کشور فرستاد. بدین ترتیب مثلاً بر اثر کمک نمایندگان انجمن تبریز در خوی، ارومیه، اردبیل، ساوجبلاغ، سلماس، مراغه و ماکو انجمن‌های محلی سازمان‌دهی شده بودند.<sup>۲۴</sup> به کرات از تبریز مأمورانی از طرف انجمن به مناطق فرستاده می‌شدند که در آن‌جا قواعد جدید را برقرار و قوانین مشروطه را به زندگی وارد می‌کردند. همانطور که می‌بینیم انجمن تبریز نقش رهبری‌کننده داشت و جنبش دموکراتیک را به طرف شهرهای آذربایجان و مناطق مختلف هدایت می‌کرد.

انجمن تبریز کمک جدی‌ای را به ساکنان شهرها و روستاهای مرزی ایران-ترکیه رساند که از طرف کردها و ترک‌های تحریک شده از طرف دولت عثمانی مورد حمله‌های سارقانه قرار می‌گرفتند. «زنگ» می‌نوشت که از این حملات به‌خصوص، دهقانان ارومیه، سلماس، خوی و دیگر نواحی آسیب می‌دیدند.<sup>۲۵</sup>

باید یادآور شد که انجمن تبریز کمک بزرگی را به دهقانان در مبارزه با ملاکین ارائه کرد. نمایندگان انجمن برای سازمان‌دهی خیزش‌های دهقانی به روستا فرستاده شدند. اقدامات انقلابی گسترش یافتند، توده‌های جدید زحمتکشان روستایی را به سمت انقلاب جلب کردند. اخبار از تبریز قیام کرده در توده‌های دهقانان واکنش مشتاقانه‌ای را برانگیخت. گرچه خیزش‌های دهقانی کاملاً سازمان‌دهی شده نبودند و غالباً پراکنده بودند، اما خیزش‌ها ماهیت مبارزه‌ی طبقاتی واقعی داشتند. در بسیاری از مکان‌های آذربایجان در سالهای ۱۹۰۸-۱۹۰۷ (خانات ماکان، ارومیه و غیره) دهقانان

<sup>۲۴</sup> فرزاد حسین، انقلاب و تحول آذربایجان در دوره مشروطه یا تاریخ ستارخان سردار ملی، تبریز،

۱۹۰۶، کتاب اول، صفحه ۵۵ (در ادامه: فرزاد حسین)

<sup>۲۵</sup> زنگ (به‌معنای ناقوس)، به زبان ارمنی، شماره ۸، به تاریخ ۲۰ آگوست ۱۹۰۶.

ملاکین را بیرون انداختند و اموال آنها را بین خود تقسیم کردند. دهقانان تقاضاهایی را مطرح کردند، مثلاً آزادی تملک قطعه‌زمین‌های خود را.

جنبش انقلابی بین دهقانان آذربایجان، گیلان، و دیگر مناطق گسترش یافت و فرم‌های جدید مبارزه را به خود گرفت. دهقانان نه فقط علی‌ه‌خانه‌ها و ملاکی‌ن قیام کردند بلکه در همه جا جمع‌کنندگان مالیات و اداره‌ی شاهی را بیرون می‌کردند. دهقانان ایرانی از گردآوران مالیات مباشران و رأس روستا کدخداها که در زمان جمع‌آوری مالیات بی‌قانونی و خودسری به‌راه می‌انداختند بیزار بودند. دهقانان عاجزانه با آن‌ها مبارزه می‌کردند. با کشتن و بیرون کردن نمایندگان طبقه‌ی حاکم، از پرداخت مالیات امتناع می‌کردند.

در جریان انقلاب انجمن تبریز حوزه‌ی فعالیت خود را گسترش داد و عملاً به ارگان حاکم برای همه‌ی آذربایجان تبدیل شد. بیشتر از آن انجمن تبریز تبدیل به رهبر جنبش انقلابی در تمام شمال ایران شد.

خبرنگار روزنامه «وتاک» در ابتدای سال ۱۹۰۸ از تبریز خبر داد که تا وقایع اخیر، ۲۶ انجمن، انجمن ملی تبریز نامیده می‌شد، اما بعد از وقایع دسامبر وقتی که عملاً انجمن با گسترش نفوذ و حقوق به حاکم اوضاع تبدیل شد، نام خود را تغییر داد. اکنون آن انجمن ایالتی نام دارد و ارگان رهبری تمام آذربایجان به حساب می‌آید. برای راحتی کار انجمن ایالتی، تبریزی‌ها تصمیم به ایجاد واحد خودگردان، بلدی‌ه گرفتند و قواعد انتخابات را اعلام کردند. از سیصد هزار نفر ساکن تبریز هر ده هزار نفر باید یک نماینده انتخاب می‌کردند. در نتیجه تبریز دوما‌ی شهری متشکل از ۳۰ عضو خواهد داشت. ۲۷

با تبدیل شدن به چنین ارگان رهبری بانفوذی، انجمن تبریز ۲۸ بدون ذره‌ای جواب پس دادن به حاکمیت شاهی، شروع به رسیدگی به مسئله‌ی درآمد‌های دولتی و کنترل

۲۶ منظور از کودتای ضدانقلابی شاه در دسامبر ۱۹۰۷ در تبریز است.

۲۷ وتاک (بمعنای ریزابه)، بزبان ارمنی، شماره ۸ به تاریخ ۱۲ ژانویه ۱۹۰۸.

۲۸ جلوتر تحت نام انجمن تبریز ما منظورمان انجمن ایالتی خواهد بود.

ارگان‌های اداری مالی شاهی کرد. عضو کنسول تزاری پاختونوف ۲۳ دسامبر ۱۹۰۷ از تبریز مخابره کرد که، انجمن بر ارسال درآمدهای پستی، تلگراف و پاسپورتی (تذکره) به تهران ممنوعیت وضع کرده است. اعضای انجمن گزارش‌هایی در مورد به‌صرف رساندن اموال دولتی، در مورد درآمدها و مخارج مناطق را مطالبه کردند و تاندازه‌ای به کنترل این درآمدها پرداختند.

انجمن در تبریز مجموعه‌ای از اقدامات مهم را در زمینه‌ی آموزش ملی انجام داد. بر اساس تصمیم انجمن آموزش به زبان مادری (آذری) به مدارس وارد شد. مؤلفین ایرانی خبر می‌دهند که انجمن تبریز مشارکت فعالی در تشکیل برنامه‌ی مدارس کرد و هزینه زیادی برای بهبود مدارس اختصاص داد.<sup>۲۹</sup> در آذربایجان به زبان مادری شروع به انتشار کتب، روزنامه و ژورنال کردند. انجمن تبریز مسؤلیت برقراری عدالت را به‌عهده گرفت و به رتق‌وفتق شکایات مردم تبریز و دیگر شهرهای آذربایجان پرداخت.

انجمن تبریز انتشار روزنامه‌ی خود «انجمن» را سازمان‌دهی کرد که ارگان رسمی انجمن بود. انجمن ۱۹ اکتبر ۱۹۰۶ بیرون آمد. ۳۰ اصل چند شماره از این روزنامه در واحد ایران آرشیو بنیاد سیاست خارجه روسیه در مسکو نگهداری می‌شود. بدین ترتیب مثلاً در پرونده‌ی ۳۸۲۷ نامگذاری شده توسط بنیاد یک نسخه روزنامه‌ی «انجمن» به‌شماره ۴۱ وجود دارد. کنسول تزاری تبریز میلر در نامه خود مورخ ۱ مارس ۱۹۰۹ در مورد این نوشت که روزنامه‌ی «انجمن» ارگان انجمن تبریز بوده و هرروز منتشر می‌شده.<sup>۳۱</sup> در صفحات روزنامه‌ی «انجمن» سؤالات سیاسی مهمی مطرح می‌شد: مطالبات انجمن از دولت و مجلس، سخنرانی‌های اعضای انجمن، تصمیمات انجمن، سخنرانی‌های نمایندگان در مجلس، اطلاعیه‌ها، فراخوان‌ها، اعلامیه‌ها و غیره. روزنامه‌ی «انجمن» نقش بزرگی را در امر سازمان‌دهی مبارزه‌ی قیام‌کنندگان تبریز و آذربایجان علیه استبداد شاهی بازی کرد.

<sup>۲۹</sup> کسروی، جلد اول، صفحه ۲۵۱.

<sup>۳۰</sup> فرزاد حسین، کتاب اول، صفحه ۳۸

<sup>۳۱</sup> АВІР, ф. перс. ст.. ۱۸۰۹, д. ۳۸۲۷. л. ۶.



همان‌طور که اشاره شد، بعد از کودتای ضدانقلابی ناموفق در پایان سال ۱۹۰۷ انقلاب ماهیت گسترده‌ای به‌خود گرفت و انجمن‌ها باز هم بیشتر مبارزه را علیه شاه تقویت کردند. انجمن‌ها پیگیرانه از شاه حذف عناصر ارتجاعی را طلب می‌کردند. بعد از مدت‌ها نوسان، شاه مجبور شد وزیر دربار امیربهادر،<sup>۳۲</sup> منشی<sup>۳۳</sup> خود شاپشال و چهار نفر دیگر از ارتجاعیون را برکنار کند.<sup>۳۴</sup> اگرچه که شاه دست به عقب‌نشینی زد، اما دیگر از ابتدای سال ۱۹۰۸ آماده‌ی کودتای ضدانقلابی جدید می‌شد. در فوریه‌ی ۱۹۰۸ ترور ناموفقی بر علیه شاه صورت گرفت که بعد از آن فعالانه‌تر شروع به آماده‌سازی تهاجم ضدانقلابی کرد. شاه از مجلس و دولت تقاضای توقف سازمان‌دهی انجمن‌های جدید و محدودیت فعالیت‌های انجمن‌های رادیکال را کرد.

مبارزه بین ارتجاع و انجمن‌ها هم در تهران و هم در مناطق در اواسط ۱۹۰۸ به اوج خود رسید. وقایع رخ‌داده در پایتخت واکنش تندی را در مناطق برانگیخت جایی که دیگر درگیری مسلحانه‌ی انجمن‌ها با سپاهیان شاه جایی برای خود داشت. در پایان ماه مه و آغاز ژوئن در تهران درگیری علنی بین شاه و انجمن‌ها درگرفت، که در بازداشت‌ها و سرکوب‌های اشخاص از اردوگاه دموکراتیک انعکاس می‌یافت.

۲۹ مه ۱۹۰۸ از تهران خبر دادند که موقعیت در پایتخت ملتهب است، انجمن‌ها سعی می‌کنند که ملت را تحریک کنند، روزنامه‌ها شاه را مورد انتقاد قرار می‌دهند و با اشاره به بازداشت‌ها و اخراج‌های غیرقانونی اشخاصی که دوستان و مدافعین ملت می‌نامندشان اعمال شاه را محکوم می‌کنند. گفته می‌شود که اگر شاه در ادامه تمهیدات پرانرژی‌ای را اتخاذ نکند - جنبش می‌تواند در سطح گسترده‌ای شعله‌ور شود.<sup>۳۵</sup>

<sup>۳۲</sup> امیربهادر در دوره‌ی مظفرالدین‌شاه وزیر دربار بود اما در دوره‌ی محمدعلی‌شاه وزیر جنگ بود (توضیح نقد اقتصاد سیاسی)

<sup>۳۳</sup> آجودان‌باشی، نه منشی (نقد اقتصاد سیاسی)

<sup>۳۴</sup> АВПР, ф. перс. ст., д. ۳۸۱۸, л. ۳.

<sup>۳۵</sup> АВПР, ф. перс. ст., д. ۳۸۱۷. л. ۳۹۶.

در ژوئن ۱۹۰۸ ارتجاع به ریاست شاه به حمله روی آورد. در تهران حکومت نظامی اعلام شد. فرماندهی بریگاد قزاق کلنل لیاخوف به‌عنوان فرماندار نظامی تهران انتخاب شد. لیاخوف به‌نام شاه از مجلس تقاضا کرد سران انجمن تهران و نمایندگان مجلس را که حال و هوای دموکراتیک داشتند تحویل دهد. بعد از این که مجلس از اجرای این تقاضا امتناع کرد، صبح ۲۳ ژوئن بریگاد قزاق با دستور شاه بمباران ساختمان مجلس، انجمن آذربایجان<sup>۳۶</sup> و مسجد سپه‌سالار را شروع کرد. بمباران تا ساعت ۱۲ ظهر به‌طول کشید. در زمان بمباران مجلس تعداد زیادی از نمایندگان مجلس و اعضای انجمن‌ها کشته شدند، به‌دار آویخته و کشته شدند سردبیر روزنامه صوراسرافیل میرزا جهانگیر خان شیرازی، نماینده‌ی مجلس از تبریز میرزا ابراهیم آقا تبریزی و دیگران. تعداد زیادی از فعالان جنبش مشروطه به زنجیر کشیده و به باغ شاه فرستاده شدند.<sup>۳۷</sup> بازداشت‌های گسترده، شکنجه و تبعید شروع شدند.

امپریالیسم انگلیس هم که در نوشته‌های روسی خارج از روسیه و نوشته‌های داخل روسیه قبل از انقلاب (اکتبر) روسیه به‌عنوان مدافع توده‌های خلق و اصول دموکراتیک در ایران به حساب می‌آمد، در کنار روسیه‌ی تزاری در ضدانقلاب مشارکت کرد.

با این حال، حقایق افسانه‌ی نقش لیبرال انگلیسی‌ها در انقلاب ایران را رسوا می‌کنند. یکی از نمایندگان مشهور مجلس تعریف می‌کرد: در زمان درهم کوبیدن، مجلس زمانی که قلب همه‌ی ایرانی‌ها از شدت خشم آتش می‌گرفت و وقتی که در هر خانه اشک خون می‌ریختند، اروپایی‌ها می‌خندیدند و از درهم‌کوبی و اعدام‌های نمایندگان ملت خشنود بودند. آنطور که اکنون بیاد می‌آورم چهره‌ی پست انگلیسی‌ای را که به‌سان دیوانه با نگاه به مردم فراری از قزاق‌ها کف می‌زد... شلیک در تمام خیابان‌ها جریان دارد... افراد به‌دام افتاده در خیابان بی‌حساب و کتاب تیرباران می‌شوند. توی بازار یک انجمنی جوان که با موفقیت از گلوله در رفته در حال فرار است. او تلاش می‌کند

<sup>۳۶</sup> آذربایجانی‌ها انجمن خود را در تهران داشتند. این انجمن به‌نوعی شعبه انجمن تبریز بود.

<sup>۳۷</sup> اقامتگاه بیرونی شاه.

که خود را به خانه‌های مجاور که انگلیسی‌ها از آنجا نگاه می‌کنند برساند. دو قزاق<sup>۳۸</sup> که همه‌ی فشنگ‌ها را شلیک کرده‌اند با شمشیر تلاش می‌کنند قبل از این‌که او به خانه‌ی انگلیسی وارد شود به او برسند. یک لحظه و زندگی جوان نجات خواهد یافت، اما در آخرین لحظه زمانی که انجمنی گیره‌ی درب را گرفت، در به سرعت بسته شد در حالی که بطور دردناک دست ایرانی بین در ماند و بدنبال آن در درگاه خانه انگلیسی مرد جوان که معتمدانه به خانه‌ی دوستان فرار می‌کرد با ضربه‌ی شمشیر کشته شد.<sup>۳۹</sup> لنین در مقاله‌ی خود «داستان داغ در سیاست جهانی» در مورد این نوشت که امپریالیسم انگلیس فرسیانه (منافقانه) خودش را کنار می‌کشد و بی‌طرفی دوستانه‌ی محرز نسبت به ارتجاع ایران اتخاذ می‌کند، زمانی که بورژواهای لیبرال انگلیسی که از خیزش انقلابی به هراس افتاده، علنی‌تر و تندتر نشان می‌دهند که فعالین متمدن اروپایی وقتی که کار به بیداری مبارزات توده‌ها علیه سیستم استعماری کاپیتالیستی می‌رسد به چه حیوانی تبدیل می‌شوند.

بدین ترتیب ارتجاع ایران با کمک بلاواسطه‌ی ضدانقلاب روس-انگلیس با درهم کوبیدن مجلس و سازمان‌های دموکراتیک دست به کودتا زد.<sup>۴۰</sup> بعد از وقایع ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ شاه رسماً انحلال مجلس و انجمن‌ها را اعلام کرد. به‌دنبال سرکوب انقلاب در پایتخت، ارتجاع به تهاجم در مناطق هم دست زد. طبق دستور شاه والی‌ها در مناطق شروع به انحلال انجمن‌ها کردند.

بعد از کودتای ضدانقلابی در تهران و تهاجمات ارتجاع در مناطق حکومت شاه در اصل به جز در برخی مناطق آذربایجان و تبریز، جایی که انقلاب قوی‌ترین مقاومت را علیه ارتجاع می‌کرد پیروز شد. اما درهم کوبیدن مجلس، انجمن‌ها، سازمان‌های دموکراتیک و روزنامه به معنای پایان انقلاب نبود. ارتجاع نمی‌توانست کاملاً انقلاب را خفه کند. تبریز قهرمان هم که از اولین روزهای انقلاب ایران به آوانگارد جنبش

<sup>۳۸</sup> منظور سربازهای ایرانی بریگاد قزاق است.

<sup>۳۹</sup> موسکوسکی یژیدنیونیک، شماره ۴۳، ۱۹۰۸، صفحه ۲۰.

<sup>۴۰</sup> مجموعه آثار لنین (به روسی)، جلد ۱۵، صفحه ۱۶۰-۱۵۹.

دموکراتیک تبدیل شده بود تسلیم نشد. با وجود این که شاه نیروهای اصلی خود را در نزدیکی تبریز متمرکز کرده بود، با اشغال بخشی از شهر و درهم کوبیدن ساختمان انجمن تبریز، به‌رحال موفق به درهم شکستن نیروی مقاومت تبریزی‌ها و بستن انجمن نشد. ۳۰ ژوئن ۱۹۰۸ آژانس تلگراف پترزبورگ در بولتن صبح خود خبر داد که گروهی از انقلابیون پرچم سرخ را بر فراز ساختمان انجمن سابق برافراشتند.<sup>۴۱</sup>

انجمن تبریز مبارزه را برای برقراری مشروطه، فراخوان مجلس جدید و حذف خارجی‌های مداخله‌کننده در امور داخلی و حامی ارتجاع شاهی از کشور گسترش می‌دهد. در جواب به تلگراف‌های انجمن تبریز از رشت، اصفهان، قزوین و دیگر شهرها به تبریز پیغام‌هایی رسید که همبستگی و موافقت با ملحق شدن به تبریزی‌ها در مبارزه علیه شاه را ابراز می‌کرد.<sup>۴۲</sup>

مبارزه‌ی سخت در تبریز و انقلاب در آذربایجان توجه ارتجاع داخلی و خارجی را به‌خود جلب می‌کرد. دولت شاه سپاه بزرگی را تحت فرماندهی عین‌الدوله که شاه به‌عنوان والی آذربایجان منصوب کرده بود برای آرام کردن تبریز فرستاد. سپاهیان عین‌الدوله تبریز را محاصره کردند. حملات مکرر سپاهیان شاهی ناموفق ماندند زیرا دسته‌های داوطلب از مناطق آذربایجان به کمک فداییان ستارخان<sup>۴۳</sup> می‌آمدند.

۲۲ آگوست ۱۹۰۸ از کنسولگری تزاری در ایران به پترزبورگ پیغامی ارسال کردند در مورد درهم کوبی کامل ارتش عین‌الدوله توسط انقلابیون و پیروزی ستار که شش عراده و کل کاروان را به‌تصرف در آورده بود. بقایای قشون شکست خورده به همدان فرار کردند. قشون ستار ۱۷۰۰ نفر را به اسارت گرفتند که قسم وفاداری خوردند و به صفوف مدافعین تبریز پیوستند. بیش از ۲۰۰۰ جنازه هم در میدان نبرد باقی ماندند.<sup>۴۴</sup>

<sup>۴۱</sup> АВПР, ф. перс. ст., д. ۳۱۱۸. л. ۴۰۰.

<sup>۴۲</sup> کسروی، جلد ۱۱، صفحه ۳۱۷-۳۱۵.

<sup>۴۳</sup> ستارخان - قهرمان ملی، رهبر دفاع تبریز و فرمانده نظامی واحدهای فدایی. لنین ستار را پیشوای قشون انقلابی ایران نامید.

<sup>۴۴</sup> См. АВПР, ф. перс. ст., д. ۳۸۲۰. л. ۱۶۷.

بعد از این که سپاهیان شاه در حصار تبریز درهم کوبیده شدند، فرماندهی قشون، عین‌الدوله تصمیم گرفت که فرستادگانی را برای مذاکرات نزد ستارخان بفرستد. در زمان مذاکرات یکی از قهرمانان دفاع تبریز حاجی قفقازی که توسط ستارخان تام‌الاختیار شده بود اعلام کرد: ما از مشروطه دفاع می‌کنیم. ما از سپاهیان نمی‌ترسیم. بگذار بجای ۳۰ هزار ۱۰۰ هزار بفرستند. ۴۵ ما از حقوق‌مان دفاع می‌کنیم. ۴۶

شاه در استفاده از نیروها دریغ نکرد و همه کار انجام داد که نیروی مقاومت تبریزی‌ها را درهم شکند. برای کمک به قشون عین‌الدوله هزار سوار و دو هنگ تهرانی را فرستاد. ۴۷ اما تمام این تقویت‌های شاه بی‌فایده ماندند، زیرا تبریزی‌ها قهرمانانه دفاع می‌کردند.

جامعه‌ی جهانی با علاقه‌ی زیادی وقایع تبریز را دنبال می‌کرد. لنین با احساس تحسین نسبت به جرأت و قهرمانی تبریزی‌ها نوشت که مبارزه‌ی سرسخت در تبریز، فرارسیدن مکرر موفقیت نظامی به دست انقلابیون که قبلاً شکست خورده به‌نظر می‌رسیدند، نشان می‌دهد که باشی‌بوزوک‌های شاه (باشی‌بوزوک به سربازان مزدور در امپراتوری عثمانی می‌گویند) حتی تحت حمایت لیاخوف‌های روسی و دیپلمات‌های انگلیسی هم با مقاومت سختی در پایین مواجه می‌شوند. چنین جنبش انقلابی‌ای که قادر است چنین پاسخ نظامی‌ای به کوشندگان برای بازسازی ارتجاع بدهد، این کوشندگان را ناگزیر می‌کند که به کمک بیگانه رویاروند، و تحت چنین شرایطی جشن پیروزی کامل ارتجاع ایرانی به سرآغاز خشم‌های خلقی مبدل شد. ۴۸

در زمان دفاع قهرمانانه‌ی تبریز از فداییان بسیار زیادی، ساکنین شهرها، دهقانان از مناطق اطراف و حتی زنان، با نوشتن صفحات فوق‌العاده‌ای در تاریخ انقلاب اول ایران،

---

۴۵ طبق مدارکی که ما در دست داریم، دیده می‌شود که تعداد قشون ارتجعی محاصره کننده تبریز به چهل هزار نفر می‌رسید.

۴۶ کسروی، جلد ۳، صفحه ۲۲۷-۲۲۵.

۴۷ См. АВПР, ф. перс. ст., д. ۳۸۲۱. л. ۲۵۸.

۴۸ مجموعه آثار لنین (به روسی)، جلد ۱۵، صفحه ۱۶۰.

از منظر شجاعت و مردانگی تقدیر شدند. انجمن تبریز مدال مخصوصی را ایجاد کرد که به اشخاص برارزنده در نبردها علیه قشون شاه داده می‌شد.

در روزهای سخت دفاع تبریز، انجمن مسئله‌ی رسیدگی بهداشتی به مبارزین زخمی ارتش ملی را حل کرد. زن‌های تبریزی که در نقش مبارزین درمانی ظاهر شدند در این امر سزاوارترین بودند. انجمن در تبریز برای بیماران به شدت زخمی شده‌ی ارتش فدایی، بیمارستان ایجاد کرد. ۲۸ نوامبر ۱۹۰۸ روز افتتاح اولین بیمارستان بود.<sup>۴۹</sup>

در دوره‌ای که دولت شاهی محاصره‌ی تبریز را اعلام کرد، با وضع ممنوعیت برای همه‌ی شهرهای ایران حتی داشتن ارتباط تلگراف با تبریز را ممنوع کرد، در این زمان کمک بزرگی را سازمان‌های انقلابی شهرهای قفقاز که از طریق‌شان ارتباط و کمک به تبریز محقق می‌شد به محاصره‌شدگان ارائه می‌کردند. مثلاً از گزارش رئیس پست و تلگراف واحد تفلیس به گماشته‌ی قفقاز گراف وارانتسوف - داشکوف مشخص است که رشت ارتباط تلگرافی را با تبریز از طریق باکو محقق می‌کرد.<sup>۵۰</sup> حواله‌های پولی هم از طریق باکو فرستاده می‌شدند. در یکی از تلگراف‌ها به نام انجمن تبریز گفته شده بود: بی‌درنگ در مورد وضعیت امور تلگراف بنزید، آیا ۱۰ هزار تومان ارسال شده از طریق باکو دریافت شده است. مدارکی موجود است که در مورد این می‌گویند که ارتباط شهرهای ایران با تبریز نه فقط از طریق باکو، بلکه همچنین از طریق تفلیس، ایروان، جلفای روسیه، آستارا و دیگر شهرها برقرار می‌شده است.<sup>۵۱</sup>

همانطور که می‌بینیم ارتجاع نتوانست تبریز را منزوی و قیام خلقی را خفه کند. یادآور می‌شویم که انقلابیون قفقاز کمک روحی و عملی بزرگی را به تبریزی‌ها ارائه کردند.

<sup>۴۹</sup> АВПР, ф. перс. ст., д. ۳۸۲۲. л. ۲۷۷.

<sup>۵۰</sup> آرشیو مرکزی تاریخی دولتی جمهوری سوسیالیستی گرجستان (СР, ф. ۲с, д. ۸۶۳, л. ۳۶.)

<sup>۵۱</sup> همان جا، ф. ۸۵с, д. ۳۴, л. ۳۸.

انجمن تبریز و ستارخان علیه سرمایه و دخالت خارجی موضع می‌گرفتند. مثلاً انجمن از کمپانی تلگراف هند-انگلیس در مورد پرداخت‌ها تقاضا کرد که پرداخت‌های مربوط به امتیاز واگذار شده را به باجه‌ی انجمن تبریز واریز کنند.

انجمن تبریز علیه سرمایه‌ی خارجی بسیار قاطعانه عمل کرد. به نمایندگان شرکت تلگراف انگلیس اعلام شد که اگر پرداختی‌هایی که به شاه پرداخت می‌شود به انجمن پرداخت نشود، سیم‌های تلگراف بی‌وقفه پاره خواهند شد.<sup>۵۲</sup> اقدام انجمن تبریز علیه ملاکین - وفاداران به شاه - که در شمال ایران کم نبودند هم جای خود دارد.

بعد از این‌که تبریزی‌ها قشون شاه را درهم کوبیدند و حکومت محکم انجمن را برقرار کردند، حمله‌ی فداییان به سمت جلفا شروع شد. دیگر در نوامبر ۱۹۰۸ انقلابیون تبریز شهرهای مراغه، مرند، سلماس، خوی و نواحی متعلق به آن را تصرف کردند. جاده‌ی جلفا-تبریز به‌طور کامل از ارتجاعیون پاک شده بود. جاده‌ی اصلی تغذیه‌ی تبریز باز شد. در پایان سال ۱۹۰۸ آذربایجان به‌طور کلی تحت کنترل حکومت انقلابی تبریز بود. با ابتکار انجمن تبریز، دوباره در مناطق، سازمان‌دهی انجمن‌ها، واحدهای فدایی و گروه‌های انقلابی شروع شدند. تبریز نمایندگان خود را برای سازمان‌دهی مبارزه علیه بازسازی ارتجاع به شهرها و مناطق اطراف فرستاد.

تحت کمک انجمن تبریز در مدت کوتاهی (پایان ۱۹۰۸ - آغاز ۱۹۰۹) تقریباً در تمام آذربایجان انجمن‌ها و حکومت انقلابی بازسازی شدند.

ارتجاع‌شاهی مجبور بود عقب‌نشینی کند. در ژانویه‌ی ۱۹۰۹ در رشت دوباره انجمن سازمان‌دهی شد و طبق گفته‌ی سابلین<sup>۵۳</sup> در آنجا دولت انقلابی برقرار شد.<sup>۵۴</sup> در همین زمان در اصفهان هم انجمن تشکیل شد که احیای مشروطه<sup>۵۵</sup> را مطالبه می‌کرد. حکومت انقلابی و انجمن‌ها فقط در شمال پیروز نشدند بلکه نفوذ خود را در تمام جنوب

<sup>۵۲</sup> См. АВПР, ф. перс. ст., из россыпи к делу ۳۸۲۳. л. ۳۲.

<sup>۵۳</sup> سابلین بطور موقت جانشین گارتویگ در پست فرستاده‌ی تام‌الاختیار در امور ایران بود.

<sup>۵۴</sup> АВПР, ф. перс. ст.. д. ۳۸۲۴. л. ۲۳۵.

<sup>۵۵</sup> همانجا، ل. ۵.

و جنوب شرق ایران هم گسترش دادند. در بندر بوشهر، بندرعباس، جاسک، شیراز و دیگر مکان‌ها انجمن‌های دموکراتیک سازمان‌دهی شدند که مبارزه با حکومت شاه را به پیش می‌بردند. دیگر در ماه‌های فوریه و مارس سال ۱۹۰۹ دوباره آتش انقلاب ایران را فراگرفت.

در فوریه‌ی ۱۹۰۹ کلنل لیاخوف به ستاد ناحیه‌ی نظامی قفقاز در مورد این‌که وضعیت در ایران بسیار جدی‌ست گزارش داد. تبریز، اصفهان و رشت خودگردان می‌شوند. در استرآباد، خراسان و شیراز انقلاب به پختگی می‌رسد. تهران در اضطراب است. دولت شاه در عرض شش ماه ۵۶ هیچ چیز انجام نداده، تعداد اعتصابات به سرعت در حال رشد است. ۵۷ در وضعیت سخت پیش‌آمده شاه ضعف زیادی نشان داد. گرچه او به مردم قول‌هایی در مورد احیای مشروطه داد، اما بهترین راه خروج را سرکوب انقلاب به حساب می‌آورد. او دوباره علیه تبریز ناآرام قشون فرستاد و تمام انرژی را برای سرکوب جنبش دموکراتیک به خرج داد، فراتر از آن، از امپریالیسم انگلیس و روسیه‌ی تزاری تقاضای کمک کرد.

رشد جنبش انقلابی در ایران امپریالیسم انگلیس و روسیه‌ی تزاری را که همه‌ی امیدشان به سرکوبی انقلاب از طریق نیروهای دولت شاه را از دست داده بودند به شدت نگران کرد و تحت عنوان دفاع از خراج‌گزاران خارجی در آوریل ۱۹۰۹ به اعزام قشون خود به ایران شروع به مداخله‌ی نظامی کردند. انگلیسی‌ها با ترس از گسترش جنبش انقلابی از ایران به هند، ۲۸ مارس ۱۹۰۹ در جنوب ایران در سواحل خلیج فارس نیرو پیاده کردند. آژانس رویتر از بوشهر در مورد این واقعه این‌طور تلگراف فرستاد: با در نظر گرفتن حال‌وهوای مضطرب‌کننده‌ی حاکم در اینجا، ناو بریتانیایی فوکس برای محافظت از شهر نیرو پیاده کرد. ۵۸ اما آژانس از روی فراموشی در مورد این‌که انگلیسی‌ها با پیاده کردن نیروها از ناو فوکس در بندر بوشهر با شلیک مسلسل به روی

<sup>۵۶</sup> منظور لیاخوف دوره‌ی بعد از کودتا و درهم‌کوبی مجلس است.

<sup>۵۷</sup> АВПР, ф. перс. ст., д. ۳۸۲۵, л. ۱۱۸.

<sup>۵۸</sup> АВПР, ф. перс. ст., д. ۳۸۲۷, л. ۴۲۱.



مردم دست به ترور آنها زدند ساکت ماند. بدین ترتیب انگلیسی‌ها - دوستان ملت ایران - قبل از ژاندارم‌های تزاری شروع به مداخله نظامی کردند. انگلیسی‌ها فقط محدود به بوشهر نشدند آنها جنبش را در فارس که در مرکز شیراز دیگر در ژوئن ۱۹۰۹ نظم حاکم شده بود خفه کردند. در شیراز هم همچون بوشهر انجمن‌ها به‌طور رسمی نابود نشدند. آنها ترور شدند و با افراد جدید که به‌درد انگلیسی‌ها می‌خوردند جایگزین شدند. انگلیسی‌ها وحشیانه جنبش انقلابی را در بندرعباس، جاسک، لنگه و دیگر مکان‌های جنوب ایران سرکوب کردند. بدین ترتیب یکبار دیگر افسانه در مورد به‌اصطلاح سیاست عدم مداخله‌ی انگلیس رسوا شد و تلاش تاریخ‌دانان انگلیسی و خبرگزاری‌ها برای این که به‌نوعی امپریالیسم انگلیس را توجیه کنند نقش‌برآب شدند. حقایق بدین ترتیب از این می‌گویند که امپریالیست‌های انگلیسی از همان ابتدای انقلاب ایران مخالف توده‌های به‌پاخاسته بودند و مشارکت فعالی در سرکوب خونین جنبش دموکراتیک در ایران کردند.

در مداخله‌ی نظامی روسیه‌ی تزاری هم مشارکت فعالی کرد. در لحظه‌ی سخت برای انقلاب ایران زمانی که مداخله‌کنندگان انگلیسی-روسی تمام تمهیدات را برای سرکوب انقلاب به‌کار گرفتند، فقط حزب بلشویک‌ها به سرکردگی سوسیال‌دموکرات‌های ماورای قفقاز و مردمان ماورای قفقاز به‌همراه ملت روس به کمک انقلاب ایران شتافتند و نقش بزرگی را در مبارزه‌ی ملت ایران علیه حکومت خودکامه‌ی شاه و امپریالیسم انگلیسی-روسی ایفا کردند.

انقلاب ۱۹۱۱-۱۹۰۵ ایران فرم جدیدی از سازمان‌های خلقی را به‌شکل انجمن‌های دموکراتیک انقلابی پدید آورد که مشابه شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان و دهقانان و کمیته‌های دهقانان انقلابی در روسیه ایجاد شده بودند.

انجمن‌های دموکراتیک بدون شک نقش بزرگی را در انقلاب ایران بازی کردند. آنها با مطالبات دموکراتیک انقلابی تعیین‌کننده و به‌طور غالب با بیان منافع ملت زحمتکش اعتماد توده‌های زحمتکش را به‌دست آوردند.

انجمن‌های انقلابی نه تنها بدون حساب بردن از دولت مرکزی سیاست را در مناطق به پیش می‌بردند بلکه با دیکته کردن اراده‌ی مردم به شاه و مجلس در امور دولتی هم دخالت می‌کردند.

روزنامه‌ی «روسیه» نوشت که مراجعه‌ی انجمن‌ها به مجلس به‌طور معمول تقریباً با این کلمات ختم می‌شود: اراده‌ی ملت طلب می‌کند که برای چنین مسئله‌ای چنین تصمیمی گرفته شود. لازم است که مجلس اراده‌ی ملت را اجرا کند که در هر صورت اجرا می‌شود اگر که مجلس با وجود وظایفش راهش از مردم جدا شود.<sup>۵۹</sup>

انجمن‌های انقلابی در ایران جنین‌های منحصربه‌فرد حاکمیت دموکراتیک انقلابی در محل - مناطق بودند. و در آذربایجان ایران انجمن تبریز بر خلاف بقیه‌ی انجمن‌ها در دوره‌ی مشخصی از انقلاب ارگان حکمرانی و حکومت نظامی-انقلابی بود.

انجمن‌های دموکراتیک خلقی تأثیر زیادی بر جنبش‌های دموکراتیک بعدی توده‌های زحمتکش ایران گذاشتند. در زمان قیام خلقی محمد خیابانی (۱۹۲۰)، انقلاب گیلان (۱۹۲۲-۱۹۲۱) که تحت تأثیر اکتبر کبیر شروع شده بود و در نهایت در دوره‌ی جنبش دموکراتیک ۱۹۴۱-۱۹۴۶ ارگان‌های دموکراتیک - انجمن‌ها ساخته شدند که مبارزه سختی را علیه فئودالیسم و امپریالیسم انگلیسی-امریکایی به پیش می‌بردند.

#### منبع:

ایزوستیا آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان، شماره ۱، ۱۹۵۵  
علوم اجتماعی

<sup>۵۹</sup> «روسیه»، به تاریخ ۲۶ اکتبر ۱۹۰۹.

## اطلاعات تکمیلی

- سرگئی شاپشال آجودان‌باشی، مترجم و معلم زبان روسی محمدعلی شاه بود. وی در تحریک شاه به انحلال مجلس هم نقش داشت. او بعد از برکناری به روسیه بازگشت.
- گریگور آرتسرونی فعال مدنی ارمنی بنیانگذار روزنامه مشاک بود.
- رمان تبریز مه *آلود* (Dumanlı Təbriz) اثر محمد سعید اردوبادی وقایع انقلاب مشروطه ایران را به تصویر می‌کشد که در آن به انتقاد از روحانیت، حکومت مستبد روسیه و بازرگانان کلان می‌پردازد.
- حزب همت یا گومت از احزاب وابسته به حزب بلشویک بود که در باکو در سال ۱۹۰۴ تأسیس شد و بیشتر در آذربایجان روسیه فعال بود. گومت‌ها بعد از تصرف آذربایجان شوروی توسط ارتش سرخ با اتحاد با حزب عدالت، واحد بلشویکی کمون باکو و دیگر احزاب و گروه‌ها حزب کمونیست آذربایجان را تشکیل دادند. ستارخان عضو و یا مرتبط با حزب گومت بود.
- حزب اجتماعیون-عامیون در باکو و در بین مهاجرین ایرانی با تلاش واحد باکو حزب بلشویک به احتمال زیاد در سال ۱۹۰۴ تأسیس شده بود و واحد ایرانی در شهرهای مختلف ایران شعبه داشت. یکی از اعضای برجسته این حزب علی موسیو از رهبران مشروطه در تبریز بود. احمد کسروی در تاریخ مشروطه ایران می‌نویسد: «در تبریز دسته‌های فدایی پدید شد و کسانی مانند ستارخان و باقرخان... بر رأس این دسته‌ها قرار داشتند. وی (ستارخان) در ایام مشروطیت عضو انجمن حقیقت کوی امیرخیز تبریز بود و این انجمن که در آن عناصر رادیکال و دارای تمایلات سوسیال‌دموکراسی انقلابی شرکت داشتند، این مرد دلاور و ساده را چنان مجذوب آرمان‌های انقلابی ساخت که بر تمام بقیه‌ی زندگی وی مهر و نشان خود را گذاشت... در پیدایش و بسط پایداری تبریز و آذربایجان، سوسیال‌دموکرات‌های قفقاز و سازمان همت در باکو، نقش بزرگی خواه از جهت تعلیم سیاسی و تئوریک، خواه از جهت رساندن اسلحه و خواه از جهت اعزام داوطلبان رزمجو ایفا کردند...»

- حزب عدالت سازمانی‌ست سوسیال‌دمکرات که در باکو در سال ۱۹۱۶ یا ۱۹۱۷ به‌دست مهاجرین ایرانی تشکیل شد. سید جواد پیشه‌وری از بنیانگذاران آن بود. حیدرخان عمواوغلی هم عضو کمیته‌ی مرکزی این حزب بود.
- مشهدی عزیز بیکوف عضو حزب گومت و بلشویک و نماینده‌ی دومای باکو بعد از انقلاب ۱۹۰۵ روسیه بود و همچنین در انتخابات دومای چهارم روسیه به‌عنوان نماینده انتخاب شد. او عضو «کمیته‌ی باکو برای حمایت از انقلابیون ایران» بود و حتی سفری به آذربایجان ایران انجام داد و با ستارخان و باقرخان دیدار کرد. در جریان انقلاب اکتبر به یکی از کمیسارهای برجسته‌ی کمون باکو تبدیل شد. در جریان حمله‌ی نیروهای عثمانی و اردوی مسلمان قفقاز کمیسارهای کمون با کشتی به کراسنودسک در ترکمنستان گریختند که در استان اس ارها بود. عزیز بیکوف در آن‌جا توسط نیروهای اس ار در جریان اعدام ۲۶ کمیسر کمون کشته شد. گفته می‌شود که در این اعدام‌ها نیروهای انگلیسی هم دست داشتند.
- نریمان نریمانوف از اعضای گومت و حزب سوسیال‌دموکرات روسیه بود. او اولین رئیس دولت آذربایجان شوروی شد. وی در سال ۱۹۱۷ نشریه‌ی گومت را که سردبیرش بود منتشر می‌کرد. وی رهبری حزب اجتماعیون-عامیون را هم برعهده داشت. او کمیته‌ی تفلیس برای حمایت از انقلابیون ایران را رهبری می‌کرد.
- گریگوری اورجونکیدزه (سرگو) کمیسر صنایع سنگین شوروی، از دوستان نزدیک استالین و عضو حزب بلشویک بود. او در جریان انقلاب مشروطه به ایران آمد و در نبردهای مشروطه‌خواهان هم شرکت می‌کرد. وی در رشت از سازمان‌دهندگان کلپ و محافل سوسیال‌دموکرات در آن شهر بود و توانست اتورپته‌ی زیادی به‌دست آورد. وی اخبار وقایع مشروطه را به اطلاع لنین می‌رساند و روزنامه‌های حزب بلشویک را از طریق ایران به روسیه می‌فرستاد. او همچنین از فرماندهان ارتش سرخ در عملیات انزلی بود.
- توپخانه‌ی ارتش ستارخان را ملوان روسی رزمنوا پوتمکین ت. آ. گونچارسکی معروف به آلیوشا سازمان‌دهی کرد. در کتاب مبارزه برای آزادی اثر گاوریلوف آمده: در

سال ۱۹۰۸ در ایران ملوان پوتمکینیس‌آ. گونچاروف فرماندهی توپخانه را در ارتش دهقانان قیام کرده بر عهده داشت.

- حیدرخان عمواغلی یا تارپوردیف زاده‌ی گیومری از شهرهای ارمنستان از فعالان جنبش مشروطه و از بنیان‌گذاران و رهبر حزب کمونیست ایران بود. او عضو حزب سوسیال‌دموکرات بلشویک هم بود. وی همچنین در تشکیل سازمان‌های نظامی و نبردها نقش فعالی داشت. او در ترور محمدعلی شاه نیز نقش داشت.

- مداخله‌ی نظامی روس‌ها از روزهای ۲۸ و ۲۹ آذر ۱۲۹۰ (برابر با ۲۰ و ۲۱ دسامبر ۱۹۱۱) با ورود قشون روس به سه شهر تبریز، رشت و انزلی شروع شد. در جریان ورود به تبریز دو پسر علی موسیو و دو برادرزاده‌ی ستارخان به‌دار آویخته شدند.

- قرارداد سن‌پترزبورگ یا قرارداد ۱۹۰۷: قرارداد ۱۹۰۷ میان امپراتوری روسیه و امپراتوری بریتانیا در منطقه‌ی سن پترزبورگ درباره‌ی ایران، افغانستان و تبت امضا شد. این پیمان آخرین قدم در راه ایجاد تفاهم مثلث بود و با حل مشکلات بین بریتانیا و روسیه، این دو کشور را همراه با فرانسه در برابر اتحاد مثلث، متحد کرد. پس از انقلاب اکتبر این قرارداد به‌همراه دیگر قراردادهای امپریالیستی لغو شد. براساس این قرارداد:
  ۱. ایران میان روس‌ها و بریتانیایی‌ها تقسیم شد. بر این پایه بریتانیا پیشنهاد تقسیم ایران به دو منطقه‌ی نفوذ را داد. منطقه‌ی شمالی به امپراتوری روسیه اعطا شد و منطقه‌ی جنوبی به امپراتوری بریتانیای کبیر.

۲. افغانستان به‌عنوان منطقه‌ی نفوذ بریتانیا به رسمیت شناخته می‌شد.

۳. نیروهای بریتانیا از تبت خارج می‌شدند و حاکمیت چین در این منطقه به رسمیت شناخته می‌شد.

- بر طبق بند ۹ موافقت‌نامه میان مظفر فیروز معاون سیاسی احمد قوام نخست‌وزیر و جعفر پیشه‌وری رئیس فرقه‌ی دموکرات آذربایجان در سال ۱۳۲۵ دولت موظف به تصویب قانون جدید انتخابات می‌بود که طبق آن زنان در تمام ایران حق رأی به‌دست می‌آوردند. بعد از حمله‌ی ارتش به آذربایجان و سرنگونی فرقه این موافقت‌نامه نیز لغو شد. در اصل این اولین تلاش قانونی برای کسب حق رأی برای زنان ایران بود. بند ۹- دولت موافقت می‌کند با افتتاح مجلس پانزدهم لایحه‌ی قانون انتخابات را که روی اصل آزادی و دموکراسی یعنی با تعیین رأی عمومی مخفی مستقیم متناسب و

متساوی شامل نسوان هم باشد تنظیم و قول آن‌را به قید فوریت خواستار شود. دولت همچنین قبول می‌نماید به منظور ازدیاد نمایندگان آذربایجان و سایر نقاط کشور به تناسب اهالی نقاط مختلفه به مجرد افتتاح مجلس پانزدهم لایحه‌ی قانونی را پیشنهاد به قید دو فوریت تقاضای آن‌را بنماید تا پس از تصویب به وسیله‌ی انتخابات کسری نمایندگان نقاط مزبور تعیین و به مجلس اعزام گردند. (در بندهای ۱۲ و ۱۳ این موافقت‌نامه همچنین مسئله‌ی تدریس به زبان مادری در مدارس مورد تأیید قرار گرفته بود و طبق آن کردها، آشوری‌ها و ارامنه‌ی ساکن آذربایجان هم تا کلاس پنجم حق آموزش به زبان مادری را پیدا می‌کردند.)